

بسم الله الرحمن الرحيم

چگونه مردم را به مشارکت در انتخابات دعوت کنیم؟

(جهت‌دهی دقیق و توان‌بخشی معرفتی)

راهبردی که رهبر معظم انقلاب در 19 دی امسال برای مقابله با سیاست خارج کردن مردم از صحنه ترسیم فرمودند؛ «کشاندن مردم به صحنه‌ی مبارزه با جهت‌دهی دقیق و با توان‌بخشی معرفتی» است. در راستای این راهبرد، **الگوی گفتگو با مردم مبتنی بر روایت دقیق و عمیق**، جهت تبیین و تولید افکار عمومی ارائه می‌شود.

رویکردهای نیروهای انقلابی در دعوت به مشارکت

رویکردها و روش‌های موجود از طریق سخنرانی، گفتگوی چهره‌به‌چهره و انواع قالب‌های رسانه‌ای (مصاحبه- عکس‌نوشته- کاریکاتور- استوری- کلیپ- پادکست و دوربین‌مخفی و...) عمدتاً در چهار دسته یا تلفیقی از آنها قرار دارد:

- 1- **ارائه آمار دستاوردها و ظرفیت‌ها:** استفاده از آمار جهت گزارش دقیق و میدانی ضروری است؛ اما گاه قابلیت آن را دارد که در دو روایت متضاد به کار رود؛ مانند آمار کشف فساد که در یک روایت بر وجود برخی مفاسد و عزم بر مبارزه با فساد دلالت می‌کند و در روایت مخالف نشان از فساد سیستمی است. یا شمارش ظرفیت‌های منابع انسانی و طبیعی ایران می‌تواند جهت انگیزتن مخاطب به کار و تحرک و امیدآفرینی استفاده شود و یا می‌تواند بر ناکارآمدی این نظام در استفاده از این منابع عظیم به کار گرفته شود.
- 2- **ارائه مبانی و گزاره‌های معرفتی:** «مبانی» مهم‌ترین پایه‌ی دعوت است. اما چون مخاطب نسبت به میدان امروز سوالات و ابهاماتی دارد، با اکتفا به مبانی و عدم روایت‌پردازی دقیق جزئیات، نمی‌توان نگاه و رفتار مخاطب را تغییر داد. به طور مثال، ارائه مبانی امامت و امت، و تبعات نبودن مردم کوفه با امیرالمؤمنین (ع) معرفت می‌بخشد و احساسات مذهبی را درگیر می‌کند؛ اما به جهت آنکه عمده مخاطبان نمی‌توانند آن را با وضعیت امروز تطبیق دهند؛ به سمت مشارکت برانگیخته نمی‌شوند.
- 3- **پاسخ به شبهات:** نقطه قوت این روش، دیدن گره‌های ذهنی مخاطب است و نقطه‌ضعف آن، ندیدن همه ابعاد مخاطب است. از طرفی این روش یک نوع اقتناع تدافعی از طریق ارائه استدلال یا آمار است و در تأثیرگذاری و جهت‌دهی، اثر عمیقی ندارد.
- 4- **گزاره‌های بصیرتی:** نقطه قوت این گزاره‌ها به جهت آنکه برخی فرایندها و توالی وقایع و پشت‌صحنه‌ها را بیان می‌کند، ارائه تصویر میدان است؛ و نقطه‌ضعف آن، در ندیدن مخاطب و ارائه بعضی معرفت‌های عمیق است.

روش روایت

در کنار چهار رویکرد مذکور یا رویکردهای تلفیقی، رویکرد دیگر ارائه روایت است. روایت به جهت ارائه تصویر واضح‌تر، از طریق تشریح مشکل و مسئله، تشریح نقش بازیگران دخیل در قصه، در نظر داشتن اغراض، عقاید، پیش‌فرض‌ها و احساسات و حالات درونی شخصیت‌های قصه و در نظر داشتن مخاطب و سایر جزئیات که خواهد آمد، روش کامل‌تری است. طبیعتاً روایت به لحاظ محتوا و مواد، نیازمند آمار و گزاره‌های معرفتی و بصیرتی و فهم شبهات است.

روایت از طریق خلاقیت خود، آمار را در خدمت خود می‌آورد، از گزاره‌های بصیرتی در تشریح اهداف، مسئله و صحنه استفاده می‌کند، با مبانی معرفتی پیش‌فرض‌ها را می‌بیند و با فهم شبهات بخشی از مخاطب را می‌بیند؛ و در عین حال، اطلاعات انباشتی و اضافی لازم ندارد؛ به این ترتیب همه قطعات کامل شده و هر قطعه‌ای در جای مناسب خود به کار گرفته می‌شود و خودروی حرکت آفرینی و تأثیرگذاری به حرکت درمی‌آید. روایت به جای بیان خشک و خالی، یک گزاره مهم همچون «شرکت در انتخابات واجب شرعی است» یا «عدم مشارکت، امنیت را به خطر می‌اندازد» آن را در یک تصویر کامل برای مخاطب قابل هضم کرده و تبدیل به فکر و عمل می‌کند.

روایت چیست و چرا اهمیت دارد؟

«روایت» گزارش و ارائه یک درک منظم از وقایع با ترتیب معنادار عناصر داستان است. روایت یک سازوکار اقماعی قدرتمند است و روایت‌سازی و داستان‌سرایی در ایجاد حرکت‌های اجتماعی و تقویت و تحریک احساسات، اهداف و انگیزه‌ها و تعریف هویت‌ها و ارائه راه‌حل‌ها نقشی برجسته دارد و به همین جهت تغییر روایت باعث می‌شود یک فرد یا یک جامعه نگاه خود را نسبت به یک مسئله تغییر دهد، احساسات و نگرش‌های خود را بازنگری کند و رفتارهای متفاوتی تولید کند. سبک متداول قرآن کریم در بیان قصه‌ی انبیا و مشرکین و طیف‌های جامعه، و در طرف مقابل روایت‌سازی‌های دشمن جهت تحت‌تأثیر قراردادن افکار عمومی، اهمیت روایت را بیشتر روشن می‌کند.

چگونه سه قید «جهت‌دهی»، «دقیق و نقطه زن بودن» و «توان‌بخشی معرفتی» در قالب روایت قابل تحقق است؟

پیش از پاسخ به این سؤال، یک مرور اجمالی بر بیانات رهبری در دیدار مداحان و دیدار مردم قم داشته باشیم تا منظور صحیح از این سه قید روشن شود.

در دیدار با مداحان، رهبری دو شاخص مطرح می‌کنند: «توانایی برانگیختن و حرکت آفریدن» و «هدف‌گیری دقیق» و این‌گونه توضیح می‌دهند: «این دو شاخص را در نظر داشته باشید: یکی اینکه ببینید آنچه شما ارائه می‌دهید چقدر قدرت برانگیختن دارد، چقدر می‌تواند دل را تکان بدهد، چقدر می‌تواند حرکت ایجاد کند، و دوم اینکه چقدر دقیق است؛ دقت در

حرکت خیلی مهم است. گاهی اوقات می‌خواهیم کار خوبی بکنیم، یک حرفی می‌زنیم، دقت نمی‌کنیم در خصوصیات این حرف، [لذا] در هنگامی که دنیای اسلام نیاز به اتحاد دارد اختلاف ایجاد می‌کنیم، شکاف ایجاد می‌کنیم؛ این عدم دقت است.» (1402/10/13)

در دیدار با مردم قم نیز ضمن اشاره به بیانات در دیدار با مداحان فرمودند: «کشاندن مردم به صحنه‌ی مبارزه باید با جهت‌دهی دقیق و با توان‌بخشی معرفتی باشد. من چند روز قبل هم یک صحبتی اینجا کردم، همین نکته را گفتم. یعنی همان‌طوری که موشک‌های شما نقطه‌زن و دقیق هستند، شما که وسط میدان ایستاده‌اید و مردم را دعوت می‌کنید، هدفتان باید مشخص باشد، دقیق باشد... هدف عبارت است از حاکمیت اسلام، عزت ملی، صلاح کامل ملت ایران، اعتلای ملت ایران و مقابله‌ی با استکبار؛ هدف اینها است... امثال مطهری‌ها کارشان این بود که [هدف را] مشخص کنند و معرفت لازم به مردم داده بشود. توان‌بخشی معرفتی خیلی مهم است؛ این کار اصلی است. طلبه‌ی ما، فاضل ما، روشنفکر ما، دانشگاهی ما، استاد ما باید در این زمینه حرکت بکنند؛ معرفت‌بخشی کنند، توان‌بخشی معرفتی کنند.» (1402/10/19)

بنابراین:

الف- منظور از «جهت‌دهی»، توانایی برانگیختن و حرکت آفریدن است.

در مقایسه رویکردهای موجود بیان شد که روایت، از توانایی بالاتری در برانگیختن و حرکت آفرینی برخوردار است.

ب- منظور از «دقیق و نقطه زن بودن»، تعیین دقیق هدف است، طوری که توانایی برانگیختن و جهت‌دهی به‌صورت نقطه زن عمل کند و اطراف را تخریب نکند. به عبارتی بصیرت در حرکت وجود داشته باشد.

بعد از آنکه توانایی روایت در تأثیرگذاری و حرکت آفرینی روشن شد، مسئله‌ی بعدی آن است که آیا هر روایتی دقیق و نقطه زن است؟ خیر چنین نیست. روایت در صورتی نقطه زن است که اهداف انقلاب را به‌خوبی بشناسد و الا چه‌بسا دعوت به مشارکت به‌گونه‌ای روایت شود که عزت و صلاح کشور را در نظر نگیرد. مانند آنکه بیان شود: «مشارکت اساساً به نفع اشخاص قدرت‌طلب است تا صاحب کرسی شوند؛ ولی چه کنیم که اگر رأی ندهیم امنیت کشور به خطر خواهد افتاد.» این بیان چه‌بسا به مشارکت ختم شود؛ اما هدف‌گیری دقیق نبوده است و مشارکت را در راستای پیشرفت و اعتلای کشور تعریف نمی‌کند و آن را تخریب می‌کند.

ج- منظور از «توان‌بخشی معرفتی» که به‌عنوان کار اصلی در بیان رهبری بیان شده است. ارائه محتوای عمیق و باورهای بنیادین است که در چگونه دیدن صحنه بسیار مؤثر است؛ بنابراین پیش‌فرض‌ها، باورها و معرفت‌های به‌کاررفته در روایت باید اصیل و عمیق باشد و این معرفت‌ها را از مکتب امامین انقلاب و بیانات ایشان می‌توان یافت. گاه هدف‌گیری دقیق است؛ اما به علل مختلف از گزاره‌های سطحی، زرد و جذاب در روایت استفاده می‌شود که معرفت مردم را افزایش نمی‌دهد. اگر گزاره‌ها معرفتی باشد، توان تعقل، بصیرت و انتخاب صحیح در مخاطب افزایش پیدا خواهد کرد؛ اما اگر گزاره‌ها سطحی باشد، تأثیر آن بیشتر احساسی و از نوع ایجاد جو و اقناع خواهد بود و توان مخاطب را چندان بالا نخواهد برد.

بنابراین از این سه قید مدل روایت‌پردازی دقیق و عمیق استخراج می‌شود. آنگاه در جنگ روایت‌ها باید با این روایت دقیق، روایت مخالف را به چالش کشید.

مخاطب کیست؟

مخاطب این روایت مردم معتقد به اسلام و انقلاب هستند؛ مردمی که ضدانقلاب و ضد اسلام نیستند و درعین حال ممکن است به جهت شبهات و فشار برخی مشکلات و ایرادات موجود، در انتخابات شرکت نکنند.

امام خامنه ای (دام‌الله) در دیدار مداحان همان دیدگاه همیشگی خود نسبت به ملت ایران را تکرار کرده و فرمودند: «ملت ایران اسلام را دوست دارند؛ ملت ایران استقلال را دوست دارند، عزت ملی را دوست دارند؛ ملت ایران از دنباله‌روی و پیروی قدرت‌ها بیزارند؛ ننگشان می‌کند که مثل دوران طاغوت، آمریکایی‌ها و دیگر قدرتمندان بخواهند بر این ملت فخر بفروشند و امرونی کنند؛ ملت ایران تحمل نمی‌کند این چیزها را، برای همین هم هست که پای جمهوری اسلامی ایستاده‌اند؛ چون شعار جمهوری اسلامی شعار عزت ملی، استقلال ملی و پیشرفت ملی است؛ اینها شعارهای جمهوری اسلامی است؛ ملت به اینها علاقه‌مند است و این راه، راه خدا است. آنچه راه خدا است و بندگان خدا در آن راه حرکت می‌کنند، هیچ قدرتی قادر به عقب نشان دادن آن نیست.» (1402/10/13)

همچنین در دیدار با ائمه جمعه فرمودند: «مردم ما مردم خیلی خوبی‌اند؛ مردم ما مؤمنند؛ مردم مؤمنند. حتی کسانی که به‌حسب ظاهر به بعضی از ظواهر شرعی هم ملتزم نیستند، این ملتزم نبودن عملی به معنای عدم التزام قلبی نیست؛ دلشان با خدا است، دلشان با معانی و مفاهیم معنوی است، دارای ایمانند. خب کوتاهی در عمل در همه‌ی ماها هست. کدام ماها در عمل کوتاهی نداریم؟ هر کدام یک جور؛ بنده یک جور کوتاهی دارم، شما یک جور کوتاهی دارید، او هم یک جور کوتاهی دارد. مردم، مردم مؤمنی‌اند؛ مردم، مردم وفاداری‌اند؛ مردم، در مسائل گوناگون کشور، مردم حاضریراقتی‌اند. شما ببینید ما در این چهل و چند سال، چقدر در این کشور مسئله داشتیم، چقدر علیه ما توطئه شده، چقدر از اطراف به ما تهاجم‌های گوناگون تبلیغاتی و عملی و نظامی و اقتصادی و امثال اینها شده؛ چه کسی از نظام اسلامی دفاع کرده؟ همین مردم.» (1402/10/26)

این بیانات منطبق با آیات 100 تا 107 سوره توبه هست که خداوند متعال حساب مردم مجاهد و نیز مردم معتقد که مبتلا به برخی گناهان نیز هستند و بلکه مردم اباحه‌گر و امیدوار به خدا را از دشمنان و منافقین جدا می‌کند. راه مواجهه با مردمی که به بعضی گناهان مبتلا هستند را رفق و کمک به تزکیه و تطهیر از طریق قبول صدقات و دعا برای آنها می‌داند و اینکه بدانید خداوند آمرزنده است و توبه را قبول می‌کند. حتی در مورد دسته‌ای که یک پله پایینترند اما در زمره منافقین نیستند (آیه 106) می‌فرماید خدا خود می‌داند آنها را عذاب کند یا ببخشد.

یکی از ایرادات ما آن است که به جای تخاطب با مردم مؤمن، خوب، وفادار و صبور انگار با مردم غیر مؤمن و بد و خائن و ضدانقلاب تخاطب می‌کنیم که این ایراد مردم‌شناسی و گردش تخاطب بزرگ‌ترین شکاف و فاصله را میان نیروهای حزب‌اللهی و انقلابی با مردم ایجاد می‌کند و در نتیجه به جای آنکه کنار مردم قرار بگیرند و تبیین کنند، در برابر مردم قرار می‌گیرند.

وقتی یک کلیپ پخش می‌شود که «وقتی تو رأی نمی‌دهی، در واقع رأی می‌دهی به دشمنان و قاتلان شهید سلیمانی و تروریست‌ها» این مطلب شاید در وهله اول به مذاقمان خوش آید؛ اما برای چنین مخاطبی که از مردم زمان پیامبر (ص) بالاتر بوده و دشمن دشمنان است و در این راه هزینه داده، این بیان چه تناسبی دارد؟ رأی دادن یعنی انتخاب مختارانه. اما رأی ندادن می‌تواند معانی زیادی داشته باشد. معنای رأی ندادن این جنس از مردم چیست؟ به‌ضمیمه آنکه جامعه ایرانی کمال‌طلب و عاطفی است، چه بسا این سکوت و سرسنگینی به جهت آن است که خود را اثبات کرده و نقد خود را منتقل کند، نه آنکه به دشمن رأی بدهد. قهر بین دو دوست یا اعضای یک خانواده است و راه‌حل آن توجه کردن، نزدیک شدن، تبیین واقعیت‌ها، صداقت، درددل و دلجویی است. مانند رهبری با دلسوزی از خوبی‌های مردم بگویی و مقام او را بالا ببری و در چنین فضایی به او برسانی که رأی ندادن تو به ضرر ما و به نفع دشمن است. راهش این نیست که در برابر او بایستی و بگویی تو به دشمن رأی می‌دهی که در این صورت او پیش خود می‌گوید: «تو مرا درک نمی‌کنی و نمی‌فهمی چرا سرسنگین شده‌ام و بلد نیستی چگونه با من صحبت کنی، من دوست ندارم از دشمن پیروی کنم و اینکه مرا متهم به قبول و همراهی با دشمن می‌کنی و نیز بین من و یک ضدانقلاب فرق نگذاشتی، ناراحت‌ترم می‌کنی. من یکی از دشمن می‌خورم و یکی از دست‌تو.» این اشتباه در نشناختن صحیح مخاطب و گردش تخاطب باعث اختلال در ارتباط‌گیری شده و متقابلاً او نیز رفتار ما را درک نکرده و سرخورده می‌شود.

خصوصیاتی همچون پای کار بودن و حاضریراقتی و وفاداری نسبت به عهد را که رهبری به جامعه ایرانی نسبت می‌دهد باید در انتخاب مطلب و نوع بیان تأثیر داد. مثل روایت اینکه انقلاب مولود و فرزند این مردم است و انقلاب مال خودشان است نه مال افرادی خاص، و لذا خودشان مسئول حفاظت از آفت‌های داخلی و خارجی هستند. اگر سپاه دشمنان را هدف موشکی قرار داد و فرزندان این سرزمین در هر زمینه‌ای یک افتخاری آفریدند، او با آن، حس غرور می‌کند و اگر حادثه‌ای برای فرزندش شهید سلیمانی بیفتد - که او میوه و ثمره این مردم و انقلاب و چکیده همه خوبی‌های آنهاست - به‌گونه‌ای متأثر می‌شوند که تا سالها غم آن از دل میلیون‌ها ایرانی نمی‌رود. طبیعتاً هم تولد این فرزند (انقلاب) و هم بزرگ کردن آن با وجود این همه کینه‌توزی و سنگ اندازی، سختی‌های خودش را دارد و یک مادر با افتخار همه این سختی‌ها را به جان می‌خورد و در جای خود قهر و غضبش را به هر کس که ایجاد مشکل کند، هم نشان می‌دهد. و در این بین ممکن است به جهت تبلیغات و جنگ رسانه‌ای تمام عیار، در محاسبات برخی از این مردم خلل ایجاد شود؛ اما با تنبه یا تجربه این مشکل رفع می‌شود. بنابراین روایت انتخابات می‌تواند با تجدید عهد با انقلاب اسلامی که بیشتر تنبه و توجه دادن مردم به خودشان است، پیوند بخورد. و نسبت به انقلاب اسلامی که در درون مردم جریان و سریان دارد، خودآگاهی ایجاد شود.

مسئله دیگر آنکه روایت باید به روایت‌های بنیادین برگردد؛ مانند بازگشت روایت دفاع مقدس به عاشورا و روایت جنگ 33 روزه به جنگ خندق. به عبارتی روایت باید بر اساس فرهنگ جامعه باشد و با حالات و تجربیات درونی و عمیق جامعه گره بخورد. ریشه‌های فرهنگی برای جامعه مهم بوده و با آن بیشتر تحریک می‌شود و با آن شیوه خاصی از حل و فصلها را تولید می‌کند. به طور مثال خصوصیت عدالت‌گرایی در ایران جدی است و این خصوصیت اتفاقاً مبتنی بر پایگاه فکری اسلام است. از این رو شاهدیهم برخی انتقادات از سوی افرادی که خیلی از امور شرعی را نیز رعایت نمی‌کنند، آن است که بالفرض «این عدالت علی (ع) نیست». برای چنین روحیه‌ای، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد و ناعدالتی بسیار جذاب است و البته نیازمند تبیین صادقانه نیز هست که ما این امر با وجود مافیاهای خردده‌نظام‌های معیوب، مسیر مشکلی است و ما در مسیر پیاده سازی عدالتیم و تا حدی موفق بوده ایم و خیلی از این مسیر مانده است و همچنین هنوز به دولت اسلامی نرسیده ایم و در آن جهت حرکت می‌کنیم. و رهبری در مورد عدالت و نیز در مورد دولت اسلامی چنین بیانی دارند.

از خصوصیات مهم دیگر موعودگرایی و فرهنگ انتظار است که مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش و حرکت‌زا و از عوامل مؤثر به وجود آمدن و استمرار انقلاب بوده است. نیمه شعبان قبل از انتخابات ظرفیت خوبی برای روایت‌پردازی در این زمینه است.

همه خصوصیات که ذکر شد، در فرهنگ و باورهای ریشه‌ای و تاریخی ایرانیان نقش دارد. درعین حال بعضی از مردم با آنکه بخش مهمی از این فرهنگ را دارند، به علل مختلف، انگیزه فعلی آنها دینی نیست. این دسته چون کشورشان را دوست دارند؛ می‌توان بیشتر بر پایه حق انتخاب و مسئله پیشرفت ایران، آنها را به مشارکت خواند.

مسئله مهم دیگر در فهم مخاطب، تجربه اتفاقات سال‌های اخیر از انتخابات اخیر تا اغتشاشات و مسائل تروریستی اخیر و جنگ غزه است. با ملاحظه این مسائل باید در انتخاب روایت دقت کار را بالا برد.

جایگزینی فراروایت صحیح

برای روایت‌پردازی لازم است ابتدا عناصر روایت به‌خوبی بررسی گردد. در هر عنصر، ابتدا روایت اشتباه و سپس روایت واقعی که دقیق و عمیق است، بیان می‌گردد و گاه به روایت‌های ضعیف غیردقیق و غیرعمیق که توان معرفتی را افزایش نمی‌دهد، اشاره خواهد شد. این کار به تولیدکنندگان محتوا و نیروهای رسانه‌ای کمک می‌کند تا انواع ایده‌ها را در بررسی هر عنصر یا مجموع عناصر کنار هم استخراج کنند.

الف- روایت اول آن **روایت اشتباه، غیردقیق، سطحی، مخرب و غیرراهبردی** است که دشمن برای مردم علاقه‌مند به اسلام و پیشرفت ایران، جهت ایجاد یاس و بی‌اعتقاد کردن از طریق به‌رخ کشیدن مشکلات اقتصادی تولید می‌کند. این

روایت طبیعتاً خفیف‌تر از روایتی است که ضدانقلاب دارند تا باورپذیر باشد و امکان مشارکت را از این طیف سلب کند. روایت این است که «مشارکت مردم مؤثر نیست و وقتی مردم بیایند، مهر تأیید بر ناکارآمدی است.»

ب- دوم آن روایت صحیح، دقیق، عمیق، آبادگر و راهبردی است که از بیانات رهبر معظم انقلاب استخراج می‌شود؛ اینکه «مشارکت مردم نه تنها مؤثر است بلکه حلال مشکلات است و هر وقت مردم نباشند و ورود نکنند مشکلات ایجاد می‌شود.»

1- مسئله و مشکل در دو فراروایت چگونه تعریف می‌شود؟

در روایت اول عمدتاً مسئله سفره مردم و مشکل عبارت است از گرانی و ناکارآمدی اقتصادی.

در روایت دوم، مسئله عبارت است از پیشرفت (علمی، سیاسی، اقتصادی و...)، عزت (ملی، منطقه‌ای و جهانی)، حاکمیت اسلام، تمدن اسلامی و مبارزه با استکبار. در این روایت که نگاه کلان‌تری به مسئله دارد؛ ایران قوی را نیازمند اقتصاد قوی نیز می‌داند و به ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و همچنین ملموس بودن آن در سفره مردم تأکید دارد و در این امر با مخاطب همراهی می‌کند و با او هم‌درد است؛ کماکان سطح مسئله را بالاتر دیده و حتی در اقتصاد زیرساخت‌های به وجود آمده را می‌بیند.

روایت‌های ضعیف می‌تواند در یک افراط و تفریطی باشد؛ تفریط مثل آنکه مسئله را از توسعه به معنای غربی شروع کند و به مشارکت دعوت کند. افراط مثل آنکه مشکلات اقتصادی و بالابردن سطح رفاه و جهات مادی را از اساس بخشی از مسئله نداند و حاکمیت اسلامی و تمدن را به صورت ساده‌انگارانه و صرفاً با جهات معنوی آن ببیند.

در سرفصل قبلی «مخاطب کیست؟» در بیانات رهبری و شواهد دیگر بیان شد که مردم ایران دوستدار مواردی هستند که در روایت صحیح یعنی روایت دوم آمده است؛ در این صورت با تنبه و یادآوری بخش مهمی از کار صورت گرفته است. بخش دیگر کار روایت‌پردازی کارویژه‌ی مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی در ارتباط با سطح مسئله است. اینکه اهمیت رهبر و اهمیت انتخاب درست آن در رسیدن به پیشرفت و حاکمیت و تمدن اسلامی و عزت چیست و اهمیت مجلس شورای اسلامی و انتخاب نمایندگان سالم و کارآمد در ریل‌گذاری آینده‌ی کشور و رفع مشکلات کشور از طریق قانون‌گذاری چیست.

اما چگونه این امر اساسی با مشارکت گره می‌خورد؟ رهبری فرمودند: «حضور پرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه‌ی ملت ایران را برای حضور در صحنه نشان می‌دهد؛ انگیزه‌ی ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور میشود؛ وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن وقت علم در آن کشور پیشرفت میکند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی میرسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور

قابل حل میشود؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای میکند. انتخابات در کشور تحول ایجاد می‌کند.» (1402/10/2) «اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می‌دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوت کشور همین انتخابات است.» (1402/1/15)

-یک ایده رسانه‌ای، مصاحبه با مردم و طرح سؤالات چالشی در تزام امنیت، قوت، آینده و پیشرفت با مشکلات روز است. یا میان حل ریشه‌ای مشکل اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌ها، با قیمت ارزان بعضی کالاها به صورت موقت و محروم از زیرساخت‌ها، کدام را انتخاب می‌کند؟ سپس این امر به انتخابات و مشارکت گره زده شود.

2- خرابکار، قهرمان و قربانی را تصویر کنید.

با توجه به آنکه بخشی از عدم مشارکت به جهت شبهه کارآمدی و مشاهده مشکلات موجود است، طبیعتاً بخش مهمی از روایت را ترسیم خرابکار، قهرمان و قربانی به عهده دارد. خرابکار و ظالم کسی است که مشکل را به وجود آورده است. قهرمان حل‌کننده مشکل است و قربانی آسیب‌دیده است.

روایت اول: خرابکار و ظالم کل سیستم و همه مسئولین است چه اصلاح‌طلب باشند چه اصول‌گرا و چه مستقل‌ها. قربانی در این روایت مردم و سفره‌های آنهاست. این روایت و داستان تراژدی و غم‌نامه است و چون قهرمان ندارد، پایان خوبی ندارد.

روایت دوم: خرابکار سیستم و همه مسئولین نیستند و این امر به طور کامل در ابهام نیست؛ بلکه خرابکاران طیفی از افراد هستند که مشکل را هر کس در یک درجه خاص تولید می‌کند. 1- دشمنان اسلام و انقلاب نقش اساسی در این خرابکاری‌ها داشته‌اند؛ از طراحی و پیاده‌سازی نظامات اقتصادی سیاسی امنیتی و فرهنگی خود تا نشان دادن مهره‌های خود، قبل از انقلاب به صورت آشکار و بعد از انقلاب با انواع ترفندها. تصویر دشمن در این روایت شفاف و روشن است او یک کلیشه مفهومی قدیمی نیست؛ یک واقعیت زنده و مشغول طرح‌ریزی و خرابکاری همیشگی است. مثلاً اسرائیل علاوه بر انواع خرابکاری‌های امنیتی و اجتماعی؛ عامل اصلی جنگ اقتصادی و ایجاد دشمنی و دو به هم زنی روابط ایران و همسایگان و سایر کشورها است. در تاریخ نیز قتل‌عام ایرانیان توسط یهود زمان کوروش و ایجاد ساواک در دوره پهلوی و صدها جنایت دیگر از سمت او بوده است. 2- علاوه بر دشمنان طیفی که نقش عمده در ایجاد مشکلات موجود دارد و کمتر به مردم گفته می‌شود، لیبرال‌ها و سرمایه‌داران منافقی هستند که بر گلوگاه‌های کشور چنبره زده‌اند و صحنه را می‌چینند و طرح‌های دشمنان را در کشور پیاده می‌کنند، چه تاجر و سرمایه‌دار و نفوذی باشد چه مسئول و آقازاده، چه از زمان شاه ریشه دوانده باشند چه بعد از انقلاب؛ مانند باند مخفی سرمایه‌گذار خودرو و قطعات یدکی که با عوض شدن دولت‌ها آنها همچنان وجود دارند؛ یا بانک‌های خصوصی که در ماجرای مسکن تأثیر عمده داشتند، یا فلان سازمان که بدنه کارمندان و ذی‌نفعان آن را فلان رئیس‌جمهور به‌گونه‌ای چیده است که بعد از سال‌ها حتی با تغییر ریاست و کادر اصلی آن نیز تغییر چشمگیری اتفاق

نی‌افتد و اتفاقاً با همه کم‌کاری‌ها، بزرگ‌ترین مانع و دردسر آنها همیشه جریان انقلابی بوده است. اما سیاسی‌بازی‌ها و تبلیغات‌چی‌های آنها همیشه جریان انقلابی را کوبیده‌اند و در ذهن بخشی از مردم جای جلاد و قربانی را عوض کرده‌اند. 3- مسئولین کم‌کار و ناکارآمد نیز خواسته یا ناخواسته در زمین آنها بازی کرده، یا خود بخشی از مشکلات را ایجاد کرده‌اند و یا عرصه را برای خرابکاری‌ها رها گذاشته‌اند.

قربانی در این روایت ایران و امت و حاکمیت و تمدن اسلامی است از آن حیث که از سرعت پیشرفت و اعتلای او کاسته می‌شود.

این روایت قهرمان دارد و قهرمان اصلی مردم هستند که هر وقت وارد هر صحنه‌ای می‌شوند؛ معجزه آفرینند. آنگاه مسئولین مردمی و انقلابی نیز جزء قهرمان‌ها هستند.

- روایت‌های غیردقیق آنجایی تولید می‌شود که همه مشکلات را از یک جناح سیاسی بدانند یا همه مشکلات را از دشمنان ببینند و قهرمان را در احزاب و مسئولین خلاصه کنند.

- انواع ایده‌های هنری و رسانه‌ای می‌تواند برای این بخش تولید شود؛ مانند کاریکاتور و آزمایش اجتماعی و.. به‌عنوان تنها یک نمونه خصوصیات چند نفر نوشته شود بدون اشاره به اسمشان، بعد از مردم خواسته شود تا آنها را در سه بخش قهرمان و خرابکار و قربانی تقسیم کنند. سپس اسمها را رو کنند و به حق رای افراد در سرنوشت کشور گره بزنند. (به طور مثال بدون اسم اسرائیل دو نمونه کار خرابکارانه او در کشور بیان شود، بدون اسم شهید باهنر یا شهید باکری خصوصیات مردمی و تلاش شبانه‌روزی او بیان شود. همچنین خصوصیات چند مسئول خسته یا مفسد اقتصادی و نحوه خرابکاری او بیان شود.)

* با روایت‌پردازی و ترسیم صحنه و روشن شدن اهمیت اینکه چقدر متفاوت است چه کسی صاحب کرسی شود، مخاطب آماده شنیدن این گزاره است که «رای دادن، حق تو در تعیین سرنوشت کشور است.» و بیان این گزاره، بدون روایت - پردازی لازم، ممکن است یک کلیشه و شعار خالی را در خاطر مخاطب زنده کند.

3- احساسات و حالات

در روایت اول روزمرگی و غفلت وجود دارد. چون روایت قهرمان ندارد و آخر فیلم را سیاه می‌بیند، احساس یاس و رسیدن به بن‌بست تولید می‌شود و مانع از حرکت می‌شود و مشکلات و فشارهای مالی این یاس را تشدید می‌کند. از سویی چون بصیرت کافی نیست بغض او مبهم است و تیز نیست و در نتیجه این بغض، حرکت و مبارزه با ظلم را تولید نمی‌کند. از سویی چون ابهاماتی در مقام ولایت و جریان انقلاب برایش پیش آمده، حب او نیز حرکت آفرینی زیادی ندارد. مگر آنکه دست آغشته به خون دشمن را در کشتن قهرمانی مانند شهید سلیمانی که عزت منطقه‌ای و جهانی را برای ایران رقم زده است، را ببیند تا بیدار شود. (دقت کنید محل بحث روایت تولید شده از سوی دشمن برای کسانی است که احتمال مشارکت

دارند و بحث از روایت ضدانقلاب نیست؛ که آنجا خوف ورجا و حب و بغض تیز است و اطلاع از نقشه‌ها تا حد زیادی وجود دارد.)

در روایت دوم نگاه کلان بوده و ناراحتی به جهت عمیق بودن درد یعنی دور ماندن از قله پیشرفت و حاکمیت اسلام و تمدن بیشتر است؛ در عین حال هم بیم نرسیدن یا دیر رسیدن و هم شوق رسیدن به قله، هر دو حرکت آفرین است. همچنین هم بغض دشمنان و منافقین و هم حب ولایت و اهداف هر دو حرکت آفرین است. این روایت چون قهرمان دارد و سنتهای قطعی الهی را درک می‌کند، بسیار امید آفرین است.

در روایت‌های ضعیف دعوت به مشارکت، خوف ورجا و حب و بغض‌های شخصی و سطحی تولید می‌شود که علاوه بر قدرت پایین توان بخشی و حرکت آفرینی، در بزنگاه‌ها و نقاط حساس، خود باعث بروز خطاهاست.

4- پیش فرض‌ها، باورها، تصمیمات

1. الف- تحلیل از وضعیت فعلی و موقف کنونی جمهوری اسلامی این است که انقلاب در حال درج‌زدن است.

ب- نزدیک به قله‌ایم و مشکلات موجود، چاله‌ها و موانع در مسیر قله است.

2. الف- انقلاب یک حرکت سیاسی از طرف امام خمینی (ره) و یارانش بوده است.

ب- انقلاب در راستای یک مبارزه تاریخی میان حق و باطل و یک نهضت دینی و توحیدی از سنخ حرکت انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) از حضرت آدم تا حکومت امام زمان (عج) است بوده است و امتداد نهضت علمی، فرهنگی و سیاسی علما و زعمای شیعه در طول تاریخ است.

3. الف- انقلاب یک پروژه بوده که تمام شده است. اگر حکومت ما اسلامی است، باید همه آثار حکومت اسلامی را داشته باشد.

ب- انقلاب یک پروسه و یک فرایند است و بعد از قرن‌ها حکومت‌های پادشاهی و پذیرش ساختارهای غربی در سده اخیر؛ همه تغییرات دفعاتاً امکان تحقق ندارد؛ مرحله انقلاب و ایجاد نظام اسلامی محقق شده است؛ اما دولت، جامعه و تمدن اسلامی در حال ساخته شدن است. از سویی همه موانع موجود و بلکه شدیدتر از آن در صدر اسلام نیز وجود داشته است و تدریج یک اصل است.

4. الف- مردم نباید بازیچه اشخاص سیاسی شوند. مشارکت کمک به سیاسیون و منافع اشخاص قدرت طلب است.

ب- به خصوص در وضعیت فعلی مشارکت به معنای جری‌تر کردن مسئولین بوده و یک نوع حماقت است.

ب- حکومت اسلامی از مردم و برای مردم است و انتخابات جهت اخذ رای مردم در قبال تعیین سرنوشت خود مردم است و به‌ضمیمه مطالب قبلی، انتخابات و مشارکت گامی برای تمدن اسلامی و ظهور و گامی برای پیشرفت و امکانی جدید برای مبارزه با فساد و بهبود وضعیت است و هیچ شخصی جز حق و اهداف اهمیتی ندارد. درعین حال تمام تلاش باید بر آن باشد که افراد قدرت طلب رای نیاورند.

5. الف- بعد از تحریم انتخابات شاید مسئولین به خودشان بیایند و فکری برای بهتر شدن وضعیت بکنند.

ب- کمبود مشارکت، به‌جای آنکه عامل به‌وجودآورنده مشکل را متنبه کند، بیشتر چراغ سبزی برای دشمنان و منافقین است تا شرارت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و سناریوهای بعدی‌شان را شروع کنند. همچنین در این صورت مسئولین خوب منزوی و دلسرد شده و مسئولین ضعیف و ناکارآمد نه‌تنها به خود نیامده بلکه خود را می‌بازند و امکان بازی آنها در زمین دشمن بیشتر می‌شود.

دشمن یک مشکل را ایجاد می‌کند و سپس همان مشکل را به‌عنوان یک نقطه‌ضعف برای تضعیف حکومت به کار می‌برد. مثل آنکه در اول انقلاب، دشمنان و منافقین بهترین مسئولین و توانمندترین نیروهای انقلاب را ترور کردند تا انقلاب کارآمد نباشد؛ آنگاه در قدم بعد به مردم این را القا کردند که ببینید مسئولین خوبی ندارید و انقلابتان ناکارآمد است!

6. الف- در جمهوری اسلامی قانون حجاب تصویب نشد. چرا مذهبی‌ها مشارکت کنند؟

ب- این قانون به جهت ضعف‌های حقوقی و فقهی و ایرادات و ابهامات زیاد در شورای نگهبان تصویب نشد و با وجود همه ضعف‌های مسئولین در تدوین سند یا هر ضعف دیگر، عامل اصلی بدحجابی نیز لیبرال‌ها و برخی سرمایه‌داران و مافیایا و پیاده‌شدن انواع نقشه‌های دشمنان در صدسال اخیر در کشور ما است.

7- نوع نگاه به قدرت‌ها، دوقطبی کردن جامعه و بهشت بودن اروپا و آمریکا و خیلی دیگر از القائات نیز گاه با مشارکت ارتباط پیدا می‌کند و به جهت طولانی نشدن نوشته، به آن پرداخته نمی‌شود.

تولید خرده‌روایت‌های مکمل

با روشن شدن عناصر فراروایت، حال می‌توان روایت‌ها و خرده‌روایت‌ها را برای جایگزینی با روایت اشتباه ایجاد کرد؛ از طریق تریبون، گفتگو، مصاحبه، طنز، طرح معما، دوربین مخفی، آزمایش اجتماعی، ساخت داستان‌ها و استوری‌های کوتاه، تولید موشن و کلیپ، ایجاد نمایشگاه کاریکاتور، ایجاد بسته‌های استیکر، ایجاد هشتگ‌ها و پویش‌ها و ...

برای مورد آخر یعنی ایجاد پویش‌ها می‌توان انواع پویش را طراحی کرد: انجام یک کار و چالش و دعوت از دیگران برای انجام چالش - پویش‌های امضائی از طریق سامانه‌های امضایی یا ربات‌های نظرسنجی - برگزاری مسابقه و پویش‌های مقایسه‌ای (مقایسه شخصیت‌هایی که در بخش قهرمان، ظالم و قربانی بیان شد).

خرده‌روایت‌ها می‌تواند از طریق انواع قالب‌های هنری، بخش کوچک و محدودی از روایت کلان را پوشش دهد و ایده کلی و فراگیر فراروایت را به تناسب طیف‌ها و دیدگاه‌های گوناگون خرد کند و آن را جایگزین روایت مخالف رایج در آن طیف کند؛ به طور مثال برای سنتی‌ها به یک نحو و برای تحصیل کرده‌ها و امروزی‌ها به یک نوع روایت شود. همچنین برای مذهبی‌ها به یک نحو و ایران‌دوست‌ها به نحو دیگر روایت شود. خرده‌روایت‌ها می‌توانند به تناسب زمان و مکان و اقلیم تفاوت‌هایی داشته باشد.

تولید روایت‌ها و خرده‌روایت‌ها صرفاً کار رسانه‌های فراگیر نیست؛ زیرا روایت و فرایند تأثیر آن در دستگاه فهم و انگیزه، در یک فرد یا گروه یا همه جامعه تفاوتی ندارد و یک قاعده مشترک است و در رسانه‌های خرد و دعوت از یک فرد یا خانواده و فامیل به صورت چهره‌به‌چهره نیازمند تغییر روایت هستیم. از طرفی این روایت به صورت چشمگیری از طریق حرکت‌های مردمی قوت می‌گیرد و تولید خرده‌روایت‌ها در ایجاد و تثبیت روایت صحیح می‌تواند نقش اساسی ایفا کند؛ چنانچه گاه یک سوژه مردمی در خیابان برای ایجاد یک پویش، اثر عمیق‌تر گذاشته و ظرفیت بیشتری را در جامعه فعال می‌کند.

پیشنهاد می‌شود گروه‌های فعال برای رسیدن به انواع ایده‌های فوق بر اساس فراروایت دقیق و عمیق، جلسات ایده‌پردازی و بارش فکری تشکیل دهند و بعد وارد کار تولید شوند.